

20 آگست 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف درکشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش اول



روز سمدت افروز درخشان تاریخی اعلان استقلال و آزادی که در جامع مسجد عید کا.
(اعلیحضرت شهریار غازی) در ذیل نطق مبارک شان بیان فرمودند.

استقلال خود را چطور باید محافظه نماییم؟

شاه امان الله هنگامیکه تاج سلطنت را به سر میگذاشت، ضمن آنکه در مورد پیگیری جدی عاملان شهادت پدر خود مطالبی را بیان کرد، تلاش برای تحقق دو هدف عمده را به حیث محور اصلی سلطنت خود قرار داد: یکی کسب استقلال و دیگر سوق کشور بسوی تمدن عصری، آبادانی و رفاه مردم.

شاه امان الله در مورد نخستین هدف خود خطاب به ملت گفت: «ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نکنم تا که لباس استقلال را برای مادر وطن تهیه نسازم! من این شمشیر را درغلاف نکنم تا که غاصبان حقوق ملت را به جای شان ننشانم! ای ملت عزیز و ای سربازان فدا کار من! بیاورید آخرین هستی خود را برای نجات وطن، بیایید تا که سرهای پر غیرت خود را برای خلاصی وطن فدا سازیم». (کتاب: حاکمیت قانون در افغانستان، سفرنامه شاه امان الله به قندهار در ماه قوس 1304)؛ و در ادامه افزود: «من خود و کشور خود را از لحاظ جمیع امور داخلی و خارجی بصورت کلی آزاد، مستقل و غیروابسته اعلان میدارم و به هیچ قدرت خارجی اجازه داده نخواهد شد تا یک سرمو به حقوق و امور داخلی و سیاست خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی زمانی چنان تجاوز نماید، من حاضرم با این شمشیر گردنش را قطع کنم.» آنوقت به سفیر انگلیس که در محضر بود گفت: «آنچه گفتیم فهمیدی!» (کتاب: روابط خارجی افغانستان، نویسنده: لودویک آدامک، صفحه 28)

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ

شاه امان الله در همان روز هدف دوم سلطنت خود را با این عبارت بیان کرد: «بیاری و مرحمت ایزدی حکومت عالیه شما چنان اصلاحات را که برای حکومت و ملت سودمند و مفید باشد، تجویز خواهد کرد تا ملت و حکومت افغانستان شهرت و نام و نشانی در بین جهان متمدن کسب نماید و موقوف و موقعیت مناسب خود را همدریف قدرتهای متمدن دنیا احراز کند... مرحمت ایزدتوانا را شامل حال خویش میخوام تا به من لطف عنایت فرماید که برای بهبود و آسوده حالی شما مسلمانها و تمام جهان بشریت خدمت کنم. هادی من خداوند متعال باشد تا به آرزوهای خویش جامه عمل بپوشانم.» (کتاب: سفرهای غازی امان الله شاه، نویسنده: وکیلی فولزائی - صفحه 28)

شیوه معمول صد سال قبل برای دفع تهاجم و استیلای بیگانه و رسیدن به استقلال و آزادی جز از طریق مبارزه مسلحانه و جنگ، امکان دیگری وجود نداشت؛ اما شاه امان الله غازی بر عکس معمول آنوقت راه دیگری را در پیش گرفت که از اقدام نظامی به حیث آغاز یک اقدام سیاسی استفاده کرد. باآنکه قوای افغانی در جبهه جنوبی در حال پیشرفت بود و اقوام وزیر و مسعود (میسود) آمادگی خود را برای ادامه جهاد علیه انگلیس با جدیت ابراز کردند، ولی چون هدف اصلی شاه امان الله اعاده استقلال افغانستان بود و نمی خواست این هدف کلی و مهم را تحت الشعاع دیگر مسائل قرار دهد، لذا پیشنهاد انگلیسها را مبنی بر متارکه و آتش بس قبول کرد و متعاقباً بسوی مذاکرات سیاسی روی آورد که در نتیجه مذاکرات دوامدار طی سه مرحله بالاخره انگلیس ها حاضر به شناخت رسمی استقلال داخلی و خارجی کشور شدند. اینکه چرا انگلیس ها متارکه را پیشنهاد کردند و شاه امان الله با وجود مخالفت بعضی ها فوری پیشنهاد را قبول کرد، دلایل برای هر دو طرف موجود بود که اینجانب آنرا طی مقاله جداگانه به تفصیل بین کرده است. (دیده شود: "دلایل توافق به متارکه و جنگ در جبهات سه گانه استقلال علیه قوای انگلیس"، از این قلم منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 24 جنوری 2016، در سه قسمت).

از آنجائیکه در مورد چگونگی اقدامات نظامی و سیاسی برای حصول استقلال آثار زیاد به شمول چند مقاله از این قلم نوشته شده است، لذا از ذکر آن در اینجا صرف نظر کرده و توجه را در این نوشته بیک سؤال مهم که آغازگر این مبحث میباشد و شخص شاه امان الله غازی به آن در بیانیه خود به مناسبت نهمین سالگرد جشن استقلال خاطر نشان کردند، معطوف می سازم.

شاه در آغاز بیانیه خود گفت: «ملت عزیز و محبوب من! اولاً تبریک این عید سعید استقلال را به همه شما عرض میکنم، ثانیاً تحسین های لطف کارانه شما و تقدیر های مرحمت شعارانه که ملت عزیزم برخدمات من عاجز میدانید، همه از مراحم صمیمیت کارانه خود شما است... از لطف خداوند است که به من امداد کرده و از همت و فعالیت شما ملت محبوب من بود که امروز به این تفاخر نایل هستم، ورنه یک فرد مثل من عاجز که به فکر ترقی شما در گوشه ای افتاده بودم، کجا میتوانستم که ملتی را به این بزرگی طرفدار خود ساخته، استقلال شانرا از کسانی که استقلال وطنم را مثل اژدها بدن خود فرو برده بودند، بگیرم..... امیدوارم که در آینده نیز در راه ترقی، حفظ ناموس و شرف استقلال شما یک لحظه درنگ نکنم.»

شاه امان الله غازی در ادامه گفتار خود سؤالی بس مهم و حیاتی را برای مردم و کشور مطرح کرد که: «استقلال خود را چطور باید محافظه نمائیم؟» اما او به این سؤال خودش چنین پاسخ داد و گفت:

«آیا با بیرق های رنگارنگ و تزئینات موجوده اینکار صورت میگیرد؟ نی! باید به قلوب اولادهای خود و نسلهای که از آن پیدا میشوند، حس وطندوستی و فداکاری را تولید کنیم، زیرا وقتی فداکار باشیم هیچ وقت استقلال از دست ما نخواهد رفت. در صورتیکه اولادهای صالح شما صاحب تعلیم و تربیت باشند، حاجت به ریختن خون هم ندارند و محافظ آن معارف خواهد بود. در صورتیکه اولادهای تان فهیم و صاحب تعلیم باشند، حسودان و دشمنان دست خیانت خود را با این شرف و استقلال تان دراز کرده نمیتوانند. پس در معارف و تعلیم بکوشید و اولادهای خود را غرض تعلیم و تحصیل در ممالک متمدن و بزرگ دنیا فرستاده از خود دور کنید تا نتیجه کامیابی و دانش شان قوت الظهر بوده استقلال شما دوام کند.»

این گفتار حکیمانه سرلوحه واقعی حیات یک ملت را تشکیل میدهد و برای افغانستان یک قرن قبل سرآغاز یک تحول بزرگ محسوب میگردد که شاه امان الله آنرا از بدو سلطنت خود بارها بیان کرد و توجه مردم را به نقش تعلیم و تربیه جدید در انکشاف ملی جلب کرد. اینک یک نمونه دیگر از بیانات شاه در این راستا:

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

شاه غازی قبل از تدویر دومین لویه جرگه در سال 1303 ش وقتی به امامت نماز جمعه پرداخت، در اولین خطبه راجع به لزوم کسب علم و دانش و رابطه آن با ترقی و پیشرفت خطاب به جم غفیری از مردم و وکلای لویه جرگه چنین فرمود:

«اگر شما حقیقتاً خواهان ترقی و برتری باشید، پس در تعلیم و تعلم آموختن علوم و فنون زیاده بر زیاده بکوشید. امروز که ما شما علماء و فضلاء را بنظر عزت و احترام مینگریم، تماماً از برکت علم است، باید بیش از پیش در تحصیل آن بکوشید. هر کسیکه خیال و آرزوی خشنودی و رضای الهی و شناسائی خداوندی را داشته باشد، بیواسطه علم بر مقصد خود کامیاب خواهد شد. گویا نجات آخرت ما علم است. آیا نمی بینید و خجالت نمیکشید از آن اشخاصیکه نسبت به ما و شما عالم و صاحب کمال و عزت و اجلال هستند بر ما فخر ها میکنند.»

شاه در ارتباط با پیشرفتهای جهان گفت: «حقیقتاً برای شان نظر بدین ایجابات محیرالعقول که به آسمان و زیر بحر میروند و مسافت بسیار بعید زمین را بکمال مسارعت [بأسرعت] طی میکنند ماشینها، توپها، تفنگها، صنعتها، حرفتها و غیره اختراعات عجیب و غریب را در معرض اجراء می آورند، می زبید که بر ما تنبل ها فخر کنند. باین لحاظ باید تا جان داریم در پی بدست آوردن همچو یک نعمت عظمی که این ترقیات را موجب است، از دل و جان کوشیده و تا جائیکه میتوانیم علم بیاموزیم، علم است که خداوند را بما می شناساند، علم است که ما را موفق بحفاظت اسلام و شریعت، وطن و مملکت میسازد، علم است که نه تنها عزت و حرمت اسلامی ما را ادامه؛ بلکه ما را برای مدافعه دشمنان و تعرض بر اعدای [دشمنان] مان مقتدر میدارد. علم است که نسبت بدان پیغمبر ما میفرماید: علم گم کرده مسلمانان است باید که در پی تحصیل آن بهر جائیکه باشد، بکوشید.»

شاه سپس در بیانیه خود به اهمیت علوم جدید اشاره کرد و گفت: «دین ما گاهی بما اینچنین تعلیم نمیدهد که علاوه بر علوم آخروی در مفاد دنیوی خود نکوشیم. دین ما ابدأ اجازه نمیدهد که قوت و آلات قاتله دست دشمنان ما بوده آنها را بر علیه ما استعمال کرده و ما از آن محروم باشیم. شخصیکه علم ندارد گویا در دین و دنیا دلیل و خوار خواهد بود. از برای خدا علم بیاموزید تا خدا را بخوبی بشناسید چرا که (بی علم نتوان خدا را شناخت).

او درباره تلاشهای حکومت خود در زمینه انکشاف معارف جدید چنین تصریح کرد: «حکومت شما و من عاجز کوشش ها کردیم و مکتب ها از برای تحصیل علم جهت اولاد های شما ملت تشکیل دادیم پس چرا کاهلی مینمائید و در اخذ تعلیم تنبلی می ورزید. عناد و خصومتی را که دشمن های شما در دل های تان می اندازد که در مکاتب شما علم دنیا جاریست، کاملاً غلط است (الحمد لله) همه شما عاقل و صاحب فهم اید و خوب میدانید که فقط علم دنیا بمدارس ما جریان ندارد؛ بلکه تعلیمات دینی و مسائل آخرویه و عقائد اسلامی در آنها بکمال خوبی و درستی تعلیم داده میشود، چنانچه حالا معلومات دینی عموم طلبه صنف ابتداییه سائر مکاتب ما نسبت بطبقه عامه بعضی علمای عصر حاضره کمتر خواهد بود و ما علوم آخرویه و فنون دنیویه را ازین جهت یکجا در مکاتب خویش جاری داشته ایم که ما در دین و دنیا کار داریم و دشمنهای ما فقط در دنیا و از آخرت محروم و بی نصیب اند.»

شاه امان الله بار دیگر به تأکید فرمود: «امروز دشمنهای ما به آسمان و بزیر زمین که فکر و خیال از دیدن و شنیدن آن مقصر [کوتاه] است، پرواز و رفتار دارند. بدا بر حال فلاکت ما اسلام در گنج گم نامی و بدنامی خزیده بر خلاف فرموده خدا و پیغمبر خود که (و اعدولهم ما اسطعتم من قوه و من رباط الخیل... الایه)، دست دشمن های خود را بر سر خود دراز مینمائیم. محض جهت حفاظت دین مقدس اسلامی و ترویج شریعت غرای نبوی و اعلائی کلمته الله بر همه ما ضرور و لازم است که علوم دینی را بیشتر خوانده علم دنیا را هم یاد داشته باشیم، تا آن چیز را که بواسطه اش دشمن خود را مغلوب و مفتوح سازیم، نیز بچنگ آریم و آن چیست، توپ، تفنگ، کارطوس، باروت و دیگر آلات جارحه. اگر خود ما چنین اشیای قاتله را نداشته باشیم و بر ساختن و پیدا نمودن آن مقتدر نباشیم، آیا دشمن های ما برای ما توپ اعلی و کارطوس خوب خواهند داد که بواسطه آن خود شان از دست ما خراب و ابتر شوند؟ نی! گاهی بما نمیدهند بلکه خود ما را هدف اسلحه آتشین خود نموده هستی و زندگانی ما را بخاک برابر مینمایند. اگر چه حافظ دین اسلام خود خداوند است باز اگر ما و شما فعالیت و جدیت را بکار بریم، خالی از فایده نیست. با اینهم خدا را شکر میگویم آن عالم اسلام را که همیشه [فریب] کفار خورده بودند و خیال پریشانی و تباهی شانرا همواره بدل می پروراندند، (الحمد لله) فی الحال بیدار شده متحداً بشاهراه ترقی خود ها پویانند و دشمن و دوست خود را بخوبی می شناسند.»

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

شاه در گفتار خود به اوج پیشرفت اسلام در انکشاف علم اشاره میکند و می فرماید: «در حقیقت جمیع علوم و فنون که امروز بنظر ما میخورد و دشمنان ما را بر ایجادات غریب و عجیب موفق ساخته است، همه از عالم اسلام بود. چه شد که اسلام به عیش و ساعت تیری، نفاق خانگی، استراحت و تنبلی گرفتار شده آن میراث خود را واگذار شدند؟ آن دشمنهای عالم اسلام که همیشه در صدد همین امر بودند تا به علیه ما کامیاب گردند، از دست غفلت خود ما اسلامیان سلطه و اقتدار پیدا کردند.»

شاه در خطبه نماز عید اکیداً توصیه فرمود: «خیر! گذشته گذشت و آینده باید از مکر و خدعه دشمن هوشیار باشیم با اینکه حافظ و ناصر دین مقدس نبوی خود پروردگار است، با هم باید ما و شما بیشتر بکوشیم تا آن عزت و شوکتی را که خداوند بما مسلمانان وعده فرموده از دست ما و شما در معرض وجود آید تا مسلمانان آینده بگویند که ترقی اسلام و ترویج دین مبین سید الانام در عصر من عاجز باتفاق، اتحاد و جان فشانی علماء، فضلا و روسای این زمان که شما نید در معرض وجود آمده است تا یک نام نیک و نشان خوبی ازین سلطنت و ملت حاضره ما در صفحه روزگار بطور یادگار باقیماند، بنابراین من خادم اسلام، شما وکلاء و فضلاء ملت را خواستم تا کوشش کنید، عموم افراد ملت را بطرف علوم و فنون میلان بدهید تا آن چیز هائرا که دشمنهای ما از ما غضب کرده اند، از اوشان پس بگیریم. فعال، بیدار، شجاع، صاحب عدل و انصاف و مالک جاه و جلال از دست رفته خویش مجدداً بشویم.»

پس از ذکر اهمیت حیاتی کسب علم بر هر یک، شاه روی سخن را به لزوم تأسیس مکاتب برگردانید و گفت: «یک شخص نمیتواند که همه علوم را برای یک فرزند خویش در خانه تعلیم دهد یا معلمی را مخصوصاً برای وی تخصیص کند، ازینرو حکومت شما برای تان مدارس متعددی طرح افکند و معلمین مزیدی را در آنها مستخدم نموده و علوم دینی و فنون دنیوی را در آن جریان داده، مصارفات و پول آنرا دولت متعهد گشته تا شما بکمال اطمینان فرزندان خود را در آن تعلیم دهید. از برای خدا اولاد های خود را چرا در مکاتب داخل نمیکنید و در مقابل اینهمه زحمات و دلسوزی حکومت خویش، شما چرا تنبلی و کاهلی نموده بر حیات و زندگانی آینده پسران خویش حسرت نمیخورید و دلسوزی نمیکنید که بی علم، جاهل و بی کمال میمانند. (والله) اگر شما بمکاتب نرفتید، خود را بدست خود خراب مینمائید.» (رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303 - صفحه 36 تا 44)

با همین مقدمه که آرزومندی قلبی آن شاه معارف پرور را بیان میکند، به ادامه بحث پرداخته میشود و از همه اولتر توجه به اولین قدم معارف جدید در عصر امیر حبیب الله خان سراج الملت و الدین معطوف میگردد که در سال 1281 شمسی (1902م) مرکزی را بنام "بیت العلوم مبارکه حبیبیه" در شهر کابل بنیاد گذاشت؛ و اما مراحل انکشاف بعدی و اقدامات وسیع در زمان سلطنت شاه امان الله غازی بطور اساسی متعاقب کسب استقلال کشور آغاز گردید که شرح و بسط آن در بخش های بعدی از جمله موضوعات مورد بحث این سلسله مقالات میباشد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بڼي پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرلو مخکي په ځير و لولئ